

مجموعه

ققنوسان آسمان

(خاطرات جمع از خلبانان نیروی هوایی در دوران دفاع مقدس)

جلد ۱۱

(ادبایان حسین نظری)

بناها نام:

مهدي بناها حسيني



تهران - زمستان ۱۳۹۶

مقدمه

با آغاز حمله سراسری عراق به خاک ایران، با توجه به مشکلات پیشروی نیروی زمینی ارتش ترخیص تعدادی از نیروهای وظیفه، درخواست‌های مکرر جابه‌جایی کارکنان، دوری لشکرها از مناطق درگیری و تصفیه برخی فرماندهان و افسران ارشد و گرفتاری سپاه پاسداران در درگیری با عناصر جدایی‌طلب، درکنار کودتای فرمایشی صدام به‌خاطر به نام صدام برای زمین‌گیر کردن لشکر ۹۲ زرهی ایران و نیروی هوایی رژیم پادشاهی پایگاه انقلابی شهید نوژه همدان باعث شد، عملیات ۱۲ لشکر زرهی، مکانیزه و پیاده عراق به همراه تیپ‌های مستقر در برابر خود، نیروی قدرتمند پیاده و زرهی ندیدند و نفرات باقی‌مانده لشکرهای ۹۲ زرهی اهواز، ۸۱ کرمانشاه، تیپ ۸۴ گرم‌آباد و ۲۸ کردستان در کنار نفرات سپاه و مردمی تنها با گذر از جان خود توانستند از سرعت پیشروی دشمن کم کنند.

در اینجا بود که فرمانده دلیر نیروی هوایی شهید فکوری تنها چاره‌ی کار را در استفاده گسترده از نیروی هوایی دید. اما به راستی چه کسانی نیروهای مسلح زرهی و مکانیزه عراق را متوقف کردند؟

نیروی هوایی پس از آن‌که حمله غافلگیرانه نیروی هوایی عراق را دفع کرد و بالعکس در روز اول مهر با ۳۲۰

سورتنی پرواز پشتیبانی و بمباران، این نیروی دشمن را به لاک دفاعی برد. فرمانده مقتدر نیروی هوایی سه اقدام زیر را در دستور کار خلبانان خود قرارداد.

- اول، نابودی تأسیسات پشتیبانی ارتش عراق نظیر پایگاه‌ها و نیروگاه‌ها (عراق با بمباران پایگاه آبادان و برخی اهداف اقتصادی، این کار را از روز اول جنگ شروع کرده بود) چرا که مطابق گزارش‌های اداره دوم ارتش، ماشین جنگی مک‌ایز عراق به شدت وابسته به روغن‌های صنعتی، بنزین و گرویل بود و هرگونه اختلال در لجستیک این کشور می‌توانست سرعت تانک‌ها، نفربرها و هزاران خودروی لشکری مک‌ایز را که به سرعت در حال پخش شدن در دشت خوزستان و استان‌های غربی بودند بگیرد.

- دوم، نیروی هوایی عراق هنوز با تمام توان خود قادر به صدمه زدن به شهرها و صنایع داخل و خارج ایران بود. این اتفاق در صورت رخ دادن می‌توانست نه تنها جابه‌جایی لشکرهای ارتش و رسیدن صدها هزار داوطلب به خطوط مناطق درگیری شود بلکه ایران بدون یاور و تنها را از صنایع مادر (خودروسازی، ماشین‌سازی، فولاد و صنایع نظامی) محروم کند. مضافاً این‌که بنادر و صنایع صادرات نفت ما تنها با اندکی تلنگر می‌توانستند غیرفعال

شوند و آنگاه این فشار اقتصادی بود که ما را از ادامه جنگ باز می‌داشت (اگر چه صدام از سال ۶۲ به بعد تنها در همین بخش به ایران فشار آورد ولی علیرغم کمک‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای زیادی که به او شد تا آخر جنگ، توفیق زیادی بدست نیاورد).

- سوم، باید ستون‌های زرهی و مراکز تجمع لشکرهای عراق و مراکز فرماندهی سپاه‌های دوم و سوم به شدت مورد حمله قرار می‌گرفت چراکه بیش از چهار هزار تانک و نفر زرهی انمی شد با روش دیگری متوقف کرد.

روز سوم سرد بیش از ۱۵۰ هواپیما از پایگاه‌های مهرآباد، تبریز، مدان، دزفول و بوشهر برای بمباران اهداف مختلف از پایگاه‌ها و پالایشگاه‌هایی در شمال عراق تا تأسیسات بندری و حتی در غرب آن کشور و از نیروهای متجاوز لشکر هفت پیاپی عراق در کردستان تا تانک‌های لشکر سه زرهی در جنوب کردستان را مورد حمله قرار دادند. گردان‌های هوایی ارتش در پست سر خود خطی از نابودی و آتش برای متجاوزان برجا گذاشتند، اما دشمن نیز بی‌کار نبود. پدافندهای موشکی و توپخانه‌ای در خاک عراق با آتش بسیار فشرده در کنار رهگیری هوایی، چند هواپیمای ایرانی را ساقط کردند و در روی زمین نیز لشکرهای زرهی و مکانیزه با هزاران اسلحه ریز و درشت

خلبانان شجاعی را که با کاستن از ارتفاع به سطح ۱۰ تا ۲۰ متری به دنبال غافلگیرکردن دشمن بودند، هدف قرار می‌دادند.

مطابق آموخته‌های کلاسیک، هواپیمای گران‌قیمت و خلبان گران‌قیمت‌تر آن نباید با نزدیک‌شدن به نیروهای سطح خود را به خطر بیندازد چرا که بی‌اغراق یک فانتوم و دو خلاص ارزشی بیش از ۵۰ تانک و نفربر زرهی و نفراش را داشتند. اما در آن شرایط چاره‌ای جز این نبود. شهرهای ارزشمند مردم بی‌دفاع در صورت اندکی تعلل به جنگ اهریمن گرفتار می‌شدند. در آن سوی میدان هواپیمای قدرتمند «اف-۱۴» یا همان تامکت در نبردهایی یک طرفه دسته‌دسته میگ‌ها را سوخوهای عراقی را در خاک ایران سرنگون می‌کرد.

در دو مهر و در یک مورد ویژه، خلبانان و کمک خلبانان مسبق (از بهترین‌های تامکت) از فاصله ۱۰ مایلی تنها با یک موشک فونیکس، سه هواپیمای عراقی را که نزدیک هم پرواز می‌کردند، در آسمان متلاشی کردند. آن روز تامکت‌ها سه هواپیمای دیگر را نیز از بین بردند.

لازم به ذکر است که «اف-۱۴» با موشک افسانه‌ای فونیکس به معنای ققنوس قادر به ردیابی اهدافی از حدود ۳۰۰ کیلومتری و قفل راداری و شلیک بین ۱۵۰ تا

۲۰۰ کیلومتری بود و قرار بود ایران با کمک این هواپیماها در صورت حمله گسترده شوروی به خلیج همیشه فارس، تا رسیدن نیروهای هوایی ناتو و آمریکا مانع نیروی هوایی ارتش سرخ شود. این هواپیما آنقدر پیچیده بود که حتی نیروی دریایی آمریکا در به کارگیری آن مشکل داشت و همواره نیمی از ناوگان «اف-۱۴» آن کشور زمین گیر بود.

آمریکا اصلاً گمان نمی برد ایران حتی قادر به استفاده از این فرزند از این رادار پرنده که مجهز به بهترین رایانه عصر خود بود شد، اما هنگامی که مشاهده کرد در روز اول جنگ ایران حدود ۱۵ فروند «اف-۱۴» را به پرواز درآورده، بی پروایی نیروی دریایی عراق روزهای بسیار سختی را در پیش روی داشت.

تامکته‌ها در شش ماه اول جنگ ۲۰ هزار ساعت پرواز بدون حتی یک تلفات داشتند. به راتش نخستین تامکته ایران به اشتباه توسط پدافند خودی زده شد اما نخستین سقوط رسمی «اف-۱۴» توسط یک خلبان عراقی با هواپیمای «میگ-۲۱» در آبان سال ۶۰ ثبت شد و تا آن زمان خلبانان ایرانی این شاهین قدرتمند، بیش از ۷۰ هواپیمای عراقی را ساقط کرده بود.

تقدیر چنین بود که ملت زجر کشیده عراق، ۱۱ سال قبل از حمله آمریکا و ناتو، در دوم تا هفدهم مهر ۱۳۵۹

طعم تلخ زندگی در زیر بمباران‌های گسترده، شکسته شدن مکرر دیوار صوتی، خاموشی‌های پی‌درپی، صف‌های طولانی بنزین و از دست دادن پل‌ها و جاده‌ها را بچشد. پتروشیمی‌زیر، تلمبه‌خانه‌های فاو، پالایشگاه کرکوک، مخازن ده‌ها هزار تنی سوخت، تأسیسات اربیل، بنادر و تأسیسات الامیه و ام‌القصر، نیروگاه‌ها، باراندازها و تأسیسات کازی البکر همگی مورد حمله قرار گرفتند تا جایی که می‌توان گفت صنعت نفت عراق روی «ویلچر» نشست! به همین دلیل از هفته دوم جنگ، اعراب جنوب خلیج فارس به دنبال سرخترسانی به عراق رفتند که البته نیروی هوایی ایران، تاروان‌های سوخت آن‌ها را هم از بمب بی‌نصیب نگذاشت. در حقیقت ناپیدی منابع درآمدی عراق که از مرز کویت و اردن وارد می‌شد، سبب شد که عراق تا آخر جنگ وامدار اعراب متحد شده بماند.

در روز پنجم جنگ، نیویورک تایمز گزارش داد که عراق دیگر نفتی برای صادرات ندارد و همان روز رسانگان پست نیز گزارش داد که تولید ۳/۵ میلیون بشکه نفت روزانه عراق قطع شده است. خروج عراق از بازار نفت، قیمت این ماده استراتژیک را تا هشت دلار در هر بشکه افزایش داد این در حالی بود که غرب که از حمله عراق به

ایران با خبر بود، مخازن اصلی خود را مملو از نفت کرده بود.

با پایان هفته اول نبرد و شجاعت مثال‌زدنی خلبانانی نظیر «علیرضا یاسینی»، «محمود اسکندری»، «عباس دوران»، «مصطفی اردستانی»، «فرج‌الله براتیپور»، «علی بختیاری»، «اکبر توانگریان»، «اقبال دوگانه»، «علی مسبوق»، «صمد مزاده»، «یدالله خلیلی»، «یدالله جوادپور» و صدها یار و دگر نه‌اجا، اکنون صدام از حمله خود پشیمان‌شده و ضمن فرستادن پشت به آن‌هایی که او را به این مهلکه انداخته بودند، از سیاست‌مداران منطقه درخواست میانجیگری می‌کرد، برای سلاح خروج از جنگ و تلاش برای سیاسی کردن جنگ آنچه را که با جنگ نتوانسته‌اند بدست آورند، پشت میز مذاکره و دیپلماسی بدست آورد. در این شرایط بود که مقامات و نمایان نظامیان که می‌دیدند شرایط در میان مدت به زیان اینش عراق است این درخواست‌ها را منوط به بازگشت عراقی‌ها به پشت مرزهای بین‌المللی می‌کردند. در این روزها هنر بی‌برای زمینی عراق متوقف نشده بود. لشکر ۵ مکانیزه عراق جاده اهواز-خرمشهر را قطع کرده و در غرب شهرهای ایلام و قصرشیرین در یک قدمی محاصره و سقوط قرارداداشتند. لشکرهای یک، سه، نه و ده عراق از سپاه سوم عمیق‌ترین

پیشرفت را در خاک ایران داشتند اگرچه صدمات فراوانی نیز متحمل شده بودند. لشکر ۹۲ زرهی اهواز با عقب‌نشینی منظم و با برنامه (بسیاری از مردان این لشکر حتی ماه دوم جنگ را ندیدند) فرصتی مناسب را به سیل نیروهای داوطلب و لشکرهای کمکی ۷۷ خراسان و ۱۶ زرهی قزوین برای کنترل جنگ بود. تکاوران تیپ ۵۵ هواپرد، تکاوران دریایی، نیروهای از جان گذشته سپاه و تکاوران نوه‌نژاد ملی طی کم تعداد، اما بسیار مؤثر را در برابر بیش از ۱۵۰ هزار عراقی در جنوب تشکیل دادند که با کمک آتش مؤثر هوانیروز و تانک‌های وحدتی و فانتوم‌های بوشهری و تامکت‌های اصفهان و شیراز، ع‌تصرف کامل اهواز، آبادان، خرمشهر، بندر امام، تأسیسات نفتی اصلی خوزستان را به دل بعتی‌ها گذاشتند و این چیزها را که حماسه‌های پایان‌ناپذیر نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران کلید خورد و تا هشت سال آینده ادامه یافت.

ایران اسلامی اکنون به یاد آن مردان و آن شهیدان خلبان در سه ماهه اول جنگ خود حماسه‌ای ماندگار از مقاومت و شکوه ایثار از خود برای تاریخ به یادگار دارد.

هرچه از خاطرات شهیدان و دلیرمردان جان برکف دوران دفاع مقدس و عظمت شان و مرتبت آن‌ها بگوییم و بشنویم باز شنیدنی و خواندنی است. این بار به سراغ رزمنده‌ای رفتیم که در راه انجام وظیفه از هیچ رشادت و دلاوری دریغ نکرده و چندین بار تا مرز شهادت در راه استقلال، یمن و اسلام عزیز پیش رفته؛ دریافت «نشان فتح» بر دست ارزنده‌ی معظم کل قوا، گواه شجاعت این سرباز فداکار و مردم‌دین و د حق علیه باطل است.

این بار برای ثبت «گنجینه جنگ» از سینه رزمندگان هشت سال دفاع مقدس به سراغ امیر سرتیپ دوم خلبان جانباز «حسین نظری» رفتیم. وی که پس از ۳۰ سال خدمت در دفاع از حریم هوایی وطن عزیزمان در قالب نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به افتخار بازنشستگی نائل آمده، از پای ننشسته و به سنگری دیگر در حال بکارگیری تجربیات ارزشمند خود در خدمت هوایی است. در ادامه توجه شما را به گفتگویی که با جناب نظری ترتیب داده‌ایم جلب می‌کنیم.